جنگ  نرم

یکی از شیوه های جنگی، جنگ نرم است که جنگ روانی شاخه ای از آن به شمار می آید. درجنگ نرم، به جای ابزارهای جنگی متعارف چون توپ و تانک، از ابزارهای فرهنگیتاثیرگذار بر فکر واندیشه و عواطف و احساسات انسانی بهره گرفته میشود.

با نگاهی به جریان شناسی جنگ نرم می توان گفت که این شیوه جنگی، از دیرباز مورد استفاده قرار گرفته و همواره از سوی انسان ها در جنگ ها به عنوان یک ساز و کار موثر مورد توجه بوده است. تنها تفاوتی که می توان در میان جنگ های نرم در دوران گذشته و عصر معاصر یافت، تفاوت در ابزارها و روشهای آن است و اصولا بهره گیری از هر نوع ابزاری در جنگ نرم بر این پایه و محور قرار می گیرد که بر اندیشه و احساسات مخاطب تاثیرگذاشته و او را مرعوب خود سازد و بی آن که واکنشی از خود نشان دهد، تسلیم دشمن شده و یا در مسیر خواسته های او گام بردارد.

براساس این فرضیه می توان به سراغ آموزه های قرآنی رفت و تحلیل قرآن را از جنگ نرم و مسایل و مباحث مربوط به آن را استخراج کرد. نویسنده در این مطلب با توجه به چنین پیش فرضی به سراغ آیات قرآنی رفته تا نگرش قرآن را در این موضوع ارائه دهد. با هم این مطلب را از نظر می گذرانیم.

**جنگ نرم و حدود و مرزهای آن**

دشمن در جنگ نرم تلاش دارد با استفاده از ابزارهای فرهنگی و ارتباطاتی پیشرفته و با شایعه و دروغ پراکنی و استفاده از برخی بهانه ها، میان آحادمردم تردید، بدبینی، و اختلاف ایجاد کند. (رهبر معظم انقلاب)

آموزه های قرآنی به جنگ نرم در حوزه دشمن شناسی و مقابله با دشمن، توجه داشته است. آیات بسیاری به این مسئله از دو زاویه دید مختلف نگریسته است. به این معنا که اگر دشمن برخی از سازوکارهای جنگ روانی را در جنگ نرم به کار می گیرد، جامعه اسلامی نیز در دفاع و مقابله با دشمن می بایست از همه امکانات بهره گیرد و در جنگ نرم، به حکم مقابله به مثل

 «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم و اتقواالله و اعلموا ان الله مع المتقین» عمل نماید. (بقره، آیه 194)

البته در این آیه و آیات دیگر بر این مهم توجه و تاکید شده است که مومنان به حکم تقوای الهی، از هرگونه رفتارهای ضد اخلاقی و عقلانی که هنجارها و ارزش های اساسی بشریت را تضعیف می کند و یا از میان برمی دارد باید پرهیز کنند.

بنابراین خطوط قرمزها و محدودیت هایی را برای این مقابله به مثل در همه حوزه ها از جمله جنگ نرم معین کرده است که مومنان نمی توانند از آن مرزها گذر کنند و همانند دشمنان خدا و دین، عمل نمایند؛ به عنوان نمونه قتل و غارت بی گناهان و زنان و کودکان در فرهنگ ضدبشری دشمنان اسلام صورت می گیرد ولی مومنان مجاز نیستند این گونه رفتار کنند. در جنگ نرم نیز دشمنان به شیوه های زشت و ناپاکی رو می آورند که حریم های انسانی و نیز قداست و کرامت بشری را می شکند و به تهمت و افتراهای ناموسی و همانند آن رو می آورند، در حالی که مومنان براساس آموزه های اسلامی و محوریت تقوای عقلانی و عقلایی و شرعی نمی تواند در جنگ نرم از آن ها بهره گیرند.

**روش شناسی و رفتارشناسی دشمنان**

خداوند در تحلیل روش شناسی و رفتارشناسی دشمنان اسلام و توحید، به این نکته توجه می دهد که دشمنان اسلام، به سبب همدلی و مشابهت و همانندی در فکر و اندیشه، یکسان و همانند هم عمل می کنند (بقره آیه 118) از این رو بخش زیادی از آیات قرآنی به گزارش های تاریخی از رفتارهای دشمنان و تحلیل علل، عوامل، اهداف و مانند آن اختصاص یافته است؛ زیرا با تحلیل آن امور به آسانی می توان رفتارهای دشمنان عصر حاضر را تحلیل و ارزیابی کرد و توصیه های مناسب برای مقابله و مواجهه با آن ارائه داد.

دشمنان اسلام و توحید هرچند که از نظر ظاهری و نژادی و قومیت ها متفاوت هستند، ولی همگی آنان از عنصر مشترک انسانیت سود می برند که می تواند رفتارها و شیوه های آنان را یکسان نماید. همین تشابه قلوب که در آیه مطرح شده است، به ما این امکان را می دهد تا بتوانیم از پیش، رفتارهای آنان را پیش بینی کنیم و براساس آن، سازوکارهای مقابله را فراهم آوریم و اجازه ندهیم تا دشمن به اهداف پست و پلید خود دست یابد.

**ابزارهای جنگ نرم**

تنها اختلافی که میان جنگ های نرم در گذشته و حال می توان یافت، تفاوت در ابزارهای و روشهایی است که از سوی دشمنان مورد بهره برداری قرار می گیرد؛ زیرا انسان ها هر روزی به ابزارهای جدیدی دست می یابند که در گذشته غیرقابل دسترسی بود. فرهنگ و تمدن بشری همان گونه که به سوی کمال پیش می رود در ابزارها نیز کمال می یابد و نواقص و کمبودهای آن جبران می شود. دشمنان توحید و عدالت و اسلام نیز در مقابل، هر روز بیش از گذشته تلاش می کنند تا با استفاده از ابزارهای نوین، سد راه اهداف کمالی و عدالت خواهانه توده های مردم به ویژه مسلمانان و مومنان شوند.

در گذشته ابزارهای جنگ نرم در داستان سرایی و شعر و مانند آن خلاصه می شد. اشعار هجوآمیز به ویژه در میدان های جنگی به عنوان رجز خوانده می شد تا روحیه مخاطبان را تضعیف کرده و شرایط روحی مبارزان را تغییر دهد. رجز و شعر دو کارکرد متضاد نسبت به دوست و دشمن داشت. اشعار به دوستان انگیزه مبارزه می بخشید و روحیه دشمنان را تضعیف می کرد.

داستان سرایی و افسانه سازی از شخصیت های پهلوانی از دیگر ابزارهایی بود که در جنگ نرم میان تمدن ها و اقوام و ملل بسیار مورد بهره برداری بوده است. اقوام از طریق افسانه ها و اسطوره سازی، نه تنها موقعیت خویش را فراتر از اقوام موجود تثبیت می کردند و به مردم و ملت خویش انگیزه می بخشیدند، بلکه اقوام و ملل دیگر را تحقیر کرده و به سخریه می گرفتند تا جایی که شخص از انتساب به قوم و قبیله ای شرم می داشت.

یکی از مهم ترین اتهاماتی که همواره به پیامبران از سوی دشمنان ایشان زده می شد، عنوان شاعری بود. این اتهام از آن رو زده می شد که آموزه های آنان را در حد سخنانی برای تحریک عواطف و احساسات پایین آورند و به مردم بقبولانند که آموزه های آنان بیرون از دایره عقلانیت می باشد و نمی تواند عامل خوشبختی و سعادت ایشان و دستور درست زندگانی بشر باشد.

دشمنان برای تحقیر و تمسخر پیامبران، خود از ابزار شعر بهره می بردند و این اشعار را به گونه ای می سرودندکه مخاطبان از انتساب خود به پیامبران و عنوان پیرو بودن شرم کنند (صافات آیه 36، طور آیه 30، انبیاء آیه 5 و حاقه آیه 41)

افسانه سرایی از دیگر روش هایی بود که دشمنان برای مقابله با پیامبران در جنگ نرم از آن استفاده بسیار می کردند که آیاتی چون آیه 25 سوره انعام و 31 سوره انفال و آیه 24 سوره نحل و 83 سوره مأمنون و 5 سوره فرقان و آیاتی دیگر بر آن دلالت می کند.

در جهان امروز، ابزارهایی که برای جنگ نرم مورد استفاده قرار می گیرد از تنوع و تعدد بسیاری برخوردار است. روزنامه ها، تلفن های همراه، ماهواره ها، رسانه های همگانی و اینترنت و شبکه جهانی آن، در کنار ابزارهای دیگر، مهم ترین ابزارهای جنگ نرم است که در بسیاری از کشورها و ملت ها تأثیرات مخرب خود را گذاشته و زمینه را برای تسلط جهانخواران و دشمنان مردم فراهم آورده است.